



حر حرام‌خوار نبود، وگرنه...!

من تقریباً در مورد این مسأله بحث مفصلی کردم، ولی خوب مسایلی بود که وقت ما اجازه نداد مطرح کنیم. دوستانی پیشنهاد کردند که این بحث را ادامه دهیم که واقعاً هم جای ادامه دارد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم؛ بسم الله الرحمن الرحیم؛ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «؛الذین اتحدوا دیتهم لهوا و لعباً و عرتهم الحیاة الدنیا»

در دهه اوّل ماه محرم بحث ما راجع به حرکت و قیام امام حسین(علیه‌السلام) بود. عرض کردم که این حرکت و قیام صحیفه‌ای بود که برای ابنای بشر در ابعاد گوناگون معرفتی انسانی، فضیلتی انسانی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی درس‌هایی در برداشت. بالأخره عرض کردم که امام حسین(علیه‌السلام) مصلحی غیور و انسانی ضدّ غرور بود؛ نه خود مغرور بود، نه کسی را مغرور کرد بلکه خواست مغرورین را از غرور نجات دهد. یعنی نه فریب خورده بود، نه کسی را فریب داد، بلکه می‌خواست از فریب خوردگان دست‌گیری کند.

من تقریباً در مورد این مسأله بحث مفصلی کردم، ولی خوب مسایلی بود که وقت ما اجازه نداد مطرح کنیم. دوستانی پیشنهاد کردند که این بحث را ادامه دهیم که واقعاً هم جای ادامه دارد.

حر قصد جنگ با امام نداشت

در این جلسه دو مطلب را عرض می‌کنم بعد وارد روایات می‌شوم و عنوان بحث را از خود امام حسین(علیه‌السلام) می‌گیرم و پیش می‌آیم. اما مطلب اوّل در مورد جمله‌ای از امام حسین(علیه‌السلام) است که در روز عاشورا خطاب به لشکریان عمر سعد فرمود: شکم‌هایتان از حرام پر شده است؛ البته من آن‌جا اصل مسأله را گفتم، آن کسی که اهل فن بود فهمید، آن که اهلش نبود خوب قهراً به این حرف‌ها نمی‌رسد. مسأله در مورد حرّ بن یزید ریاحی است. این را به شما بگویم از اوّلین برخوردی که حر با امام حسین(علیه‌السلام) کرد، معلوم بود که او اصلاً برای جنگیدن با امام حسین نیامده است. حالا من به این مطلب اشاره می‌کنم. از مطالب که شنیدید، گذر می‌کنم و چیزهایی را که کمتر شنیدید مطرح می‌کنم.

وقتی حر با امام حسین بر خورد کرد، خیلی مؤدّب بود. وقتی که ظهر شد و خواستند نماز بخوانند، امام حسین گفت: تو برو با لشکریانت نماز بخوان، من هم با اصحاب خودم نماز می‌خوانم. گفت: نه اصلاً و ابداً! شما بفرمایید جلو! ما هم با شما نماز می‌خوانیم. بعد موقع حرکت که حرّ جلوی حضرت را گرفت، امام حسین به حسب ظاهر به او تندی کرد و گفت: «؛تکلیتک أمّک! ماثرید؟» مادرت به عزایت بنشیند. در عرب، این تعبیر خیلی تندی است. حر چه جوابی داد؟ گفت: چه کنم مادر تو کسی است که نمی‌توانم چیزی بگویم. همین‌طور می‌آیند، از دو منزل می‌گذرند، در منزل بیضه امام حسین(علیه‌السلام) نماز صبح را که خواندند آنها هم آمدند. بعد از نماز صبح، امام آن خطبه معروف را خواند که به تعبیر ما آن خطبه یک نوع مسأله تکلیف به آنها بود. این تعبیرات را فرمود: «؛أیها الناس فُقد علمتُم أن رسول الله قد قال فی حیاته من رأى سلطاناً جائراً مستحیلاً لحرم الله ناکثاً لعهده الله مخالفاً لسنة رسول الله یعمل فی عیاد الله بالإثم والعُدوان ثم لم یعیر بقول ولا فعل...» که خطبه مفصلی است. حضرت خطبه را خواند و به آنها هم مطالبی را گفت.

شاید این را کمتر شنیده باشید، خطبه که تمام شد حرّ آمد خدمت امام حسین، به تعبیر ما از نظر خیر خواهی و دل‌سوزی به امام حسین عرض کرد: یاابن رسول الله! من می‌خواهم شما را به مطلبی آگاه کنم و خدا را گواه می‌گیرم، قسم می‌خورم اگر شما بخواهی با این جماعت کوفی‌ها، از راه منازعه و جنگ وارد شوی، بی‌گمان شما را می‌کشند؛ پس شما این کار را نکن! آیا حر می‌خواست با حسین بجنگد؟! انسان باید خیلی بی اطلاع باشد که بخواهد این‌طور فکر کند. معلوم است که حرّ چه‌طور آدمی است و نمی‌خواهد با امام بجنگد. بالأخره در روز عاشورا حرّ رو کرد به عمر سعد گفت: «؛قال لعمر بن سعد: أتقاتل الحسین؟» در مقاتل تعبیرات مختلف است. می‌خواهی با این شخص بجنگی؟ عمر سعد گفت: جنگی بکنم که سرها از بدن‌ها و دست‌ها از پیکرها جدا شود. حرّ گفت: هیچ‌یک از این پیشنهادهایش را قبول نمی‌کنی؟ عمر سعد گفت: امیر تو، عبیدالله از من قبول نمی‌کند، او راضی نیست.

شکم حر از حرام پر نبود

در تاریخ تمام اینها خیلی روشن است که حر نیامده بود با امام حسین بجنگد. اینها را که گفتم جهت داشت، جهتش این بود که حر از آن افرادی نیست که شکمش از حرام پر شده باشد. امام حسین روز عاشورا، آن خطبه کذایی را که خواندو فرمود: «و ملئت بطونکم من الحرام» چون شکم‌هایتان از حرام پر شده است، حرف‌های من را گوش نمی‌کنید. من تصریح کردم و گفتم: اینها اموال بیت المال را خورده بودند که برایشان حرام بود، عیدالله در خزینه را باز کرده بودند و اینها را با خرج بیت المال آورده بودند. آنهایی که اهل فن هستند، این حرف‌ها رامی‌فهمند. اینهایی که حرف‌های من را گوش می‌کنند، باید کمی فقه بدانند و اهل فضل باشند. بیت المال که از مال حرام نبود، بیت المال مسلمین که حرام نیست، پس چرا ما گفتیم چون با مال بیت المال آمده بودند، شکم‌هایشان از حرام پر شده بود؟

ما در فقه، یک حرام بالاصاله داریم؛ یک حرام که مصرف حرام است، خود مال حرام نیست، مصرف حرام است. آنهایی که با پول بیت المال آمده بودند با امام حسین بجنگند، مصرف بیت المال برایشان حرام بود. عیدالله و عمر سعد در خزینه را باز کرده بودند و همه‌شان را با مخارج بیت المال آورده بودند. آنهایی که آمدند با امام حسین بجنگند، مصرف بیت المال برایشان حرام بود، بطون‌شان پر از حرام بود. اما کسانی که نیامده بودند بجنگند، خوردنشان از بیت المال، حرام نبود.

یک‌وقت کسی نگوید: حر هم بین اینها بود، چه طور شد که حر یار امام شد؟ مگر او از بیت المال نخورد؟! من اثر وضعی مال حرام را گفتم که مانع اثر گذاری اعمال صالحه می‌شود. بحث‌های ما قدری فنی است. از اول معلوم بود که حر نیامده بود بجنگد. روز عاشورا هم به عمر سعد گفت: یابن‌سعد! آیا می‌خواهی با حسین بجنگی؟ من اهل جنگ با او نیستم، دیدید که آخر هم نجنکید. بنابراین حر بیت المال را در راه حرام، یعنی جنگیدن با حق و امام حسین مصرف نکرده است. نسبت به مباحثی که اینجا مطرح می‌شود، بیشتر دقت کنید و از اهلش بپرسید. این مطلب اول بود.

امام حسین(علیه‌السلام) فریب نخورد

اما مطلب دوم؛ امام حسین نه خودش مغرور بود، فریب نخورده بود و نه کسی را فریب داد. عوامل فریب را هم به کار نمی‌گرفت؛ بلکه بر عکس، می‌خواست فریب خوردگان را دست‌گیری کند که روی این مطلب تکیه کردم و در بحثم همین را ادامه دادم و بعد هم ان‌شاءالله ادامه می‌دهم که از فرمایشات امام حسین همین معنا به دست می‌آید.

در عباراتی که امام حسین در خطبه‌هایش، چه در بین راه و چه در روز عاشورا به کار برده است این مطلب وجود دارد. در منزل بیضه که حضرت خطبه را خواندند، اواخر فرمایشاتش می‌فرماید: «والمَعْرُورُ مَنْ اعْتَرَى بِكُم» فریب خورده کسی است که فریب شما را بخورد. این‌جا حضرت هنوز به کربلا نرسیده است و تصریح می‌کند. می‌خواهد به اینها بگوید که این را بدانید که من فریب شما را نخوردم. «والمَعْرُورُ مَنْ اعْتَرَى بِكُم» می‌گوید من فریب شما را نخوردم، به صراحت هم می‌گوید. حضرت چند جا این فرمایش را دارد، من این را به عنوان نمونه خواندم. در مناجات امام حسین که تقریباً آخرین جملاتی است که امام حسین در روز عاشورا فرمود، این جملات هست. در آنجا دارد که «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» این‌جا امام حسین نمی‌خواهد بگوید که اینها من را گول زدند و غرّونا؛ «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» این‌جا امام حسین نمی‌خواهد بگوید که اینها من را گول زدند و من هم گول خوردم که به اینجا آمدم. «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ»

بعضی‌ها می‌گردند فقط این یک کلمه را پیدا می‌کنند. این هم جهت دارد، چون اهل فن نیستند، قهری است که این چیزها به ذهن‌شان بیاید. ما در عرفیات مان هم داریم که وقتی مثلاً دو نفر با هم صحبت می‌کنند، یکی می‌گوید فلانی آمده می‌خواهد من را گول بزند، معنایش این نیست که من گول خوردم؛ او می‌خواهد من را گول بزند، یعنی برخوردش، برخوردی است که گویی می‌خواهد من را فریب دهد. «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» اینها با من یک چنین برخوردی بود. لذا «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» معنایش این نیست که من مغرور شدم و دیدید حضرت در راه برگشت گفت: مغرور آن کسی است که فریب شما را بخورد. هنوز به کربلا نرسیده است، در راه، آن‌جا جلوی لشکر حر بعد از نماز صبح آن خطبه را می‌خواند.

آیا امام حسین(علیه‌السلام) ذلیل بود؟

اگر این حرف را نپذیرید من از شما سؤالی می‌کنم که وقتی امام حسین می‌فرماید: «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» یعنی من را خوار کردند؟ «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» همان خواری است. یعنی سرم کلاه گذاشتند و من فریب‌شان را خوردم، من را هم خوار کردند، یعنی ذلت پذیرفتم. خوب این را چگونه معنایش می‌کنی؟ اگر «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» را این‌طور معنا کنید که اینها من را فریب دادند و من هم فریب خوردم، آن «وَاللّٰهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَذَلُونَا وَغَدَرُوا بَنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ» را چه کار می‌کنید؟ باید او را هم همین‌طور معنا کنید. باید بگویید آنها من را خوار کردند

من هم خوار شدم؟! آن وقت چنین آدمی روز عاشورا در آن خطبه معروفش می‌گوید: «هیهات منا الذلة« اینها که با هم تناقض دارد. روز عاشورا امام حسین فرمود: «ألا و إن الدعي ابن الدعي قد ركز بين اثنتين بين السلة و الذلة و هیهات منا الذلة یأبی الله ذلک لنا«.

این حرف‌ها همه‌اش به دلیل بی‌اطلاعی است. یکی از مشکلات بحث ما این است که فنی است، لذا برای افرادی که مطلع هستند مفید است، اما برای کسانی که آگاهی ندارند مشکل است. ما باید غصه بی‌سوادی بخوریم. عزیز من اینطور نیست، همه حساب شده و دقیق است. اصلاً کسی نمی‌تواند این صحیفه حرکت و قیام امام حسین(علیه‌السلام) را در ابعاد گوناگون معرفتی معنوی، فضیلتی انسانی، مادی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی، یک بررسی دقیق کند. این ابعاد، تمام حساب شده است. تمام هم‌سو است.

امام حسین(علیه‌السلام) منجی مغرورین

در همین زیارت اربعین که از امام صادق(صلوات‌الله‌علیه) است، جمله‌ای است که امام صادق(علیه‌السلام) وقتی می‌خواهد امام حسین را وصف کند، خطاب به خدا است دارد که: «فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَتَحَ الثُّصْحَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَقْبَلَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ« من این را در بحث‌هایم عرض کردم که امام حسین تمام تلاشش این بود که دست‌گیری کند؛ می‌خواست فریب خورده‌ها را، مغرورها را از ورطه غرور بیرون بکشد. امام حسین ضد غرور و فریب بود. نه فریب خورد، نه فریب داد، می‌خواست فریب خورده‌ها را نجات دهد. از همین‌جا من وارد جلسات بعدی این بحث می‌شوم که ریشه غرور است و آن این است که چون ریشه غرور جهالت است، امر بر انسان مشتبه شده است و حضرت می‌فرماید: «وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا«.

همه فریب خورده‌ها دست به دست هم دادند، بر علیه حسین(علیه‌السلام) دست به یکی کردند حسین(علیه‌السلام) فریب خورده نبود، دست فریب خورده‌ها را می‌گرفت. «وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذَى« که امام صادق در زیارت اربعین این جملات را می‌گوید.

بنابراین یک‌جا نخواهید دید که امام حسین فریب خورده باشد. از آن اوّل حرکت تا آخر حرکتش همه را حساب شده می‌دانست، تمام روی میانی‌اش بود؛ لذا امام حسین(علیه‌السلام) جمله به جمله و کلمه به کلمه حرف‌هایی که زده است همه حساب شده است. حرکتی دقیق داشته است و به آن‌چه که واقعاً هدف این حرکت بود، رسید.

در مورد این سخن امام که فرمود: «خذلونی« ظاهراً فکر می‌کنم یک سال بحثم راجع به عزت و ذلت بوده است. فکر می‌کنم در این سنوات هفت، هشت، ده سال، من راجع به حرکت امام حسین صحبت می‌کردم و یک سال، عنوان بحث راجع به امام حسین، عزت و ذلت بوده است که آن‌جا مفصل گفتم که عزت و ذلت به چه معنا است. هیچ وقت امام حسین نمی‌گوید من خوار شدم، این سخن مخالف با نص آن چیزی است که در روز عاشورا فرمود: «ألا و إن الدعي ابن الدعي قد ركز بين اثنتين بين السلة و الذلة و هیهات منا الذلة« من خواری بپذیرم؟! اصلاً و ابداً.

شیفتگان حسین (علیه‌السلام) نمایانگر عزت اویند

یک‌وقت می‌گویی امام حسین ادعا کرد، مثل اینکه کسی می‌گوید من ذلت نمی‌پذیرم اما ذلیل شد. اگر کسی این حرف را بگوید، جواب می‌دهم می‌خواستی امروز که روز اربعین است بروی کربلا. هیچی جز این نمی‌گویم. بهترین دلیل، وقوع است. «الدلیل الدلیل وقوع«.

ظاهراً روز اربعین میلیون‌ها نفر پروانه‌وار دور قبر حسین (علیه‌السلام) می‌گردند. امام حسین ذلت پذیرفت؟ این ذلت است؟ شما بالاتر از این عزت می‌خواستی؟ چنین چیزی بر روی زمین کجا داریم؟ بیش از سیزده قرن گذشت. «و خذلونا« می‌خواهی این را هم این‌جوری معنا کنی؟ خوارش کردند؟ نه خیر. حسین(علیه‌السلام) هرگز نخواهد مرد، تا ابد زنده است و تا ابد عزیز است. در تاریخ عزیزی بالاتر از حسین(علیه‌السلام) نداریم.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی